

تقابل سنت و مدرنیسم

نوشته پروفسور یوگندرا سینگ

در تاریخ ۷۴/۱۱/۴ در سالن قرائت کتابخانه رازی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سی و ششمین نشست از سلسله نشست‌های «مطالعات هند و ایرانی» در دهلی نو تشکیل شد. در این جلسه که به ریاست پروفسور سوپهاس چندرا مالک استاد علوم اجتماعی در دانشگاه‌های انگلستان و بخش مطالعات آسیایی شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو - و با حضور برخی از نمایندگی‌های خارجی در هند و دیگر علاقه‌مندان برگزار شد، پروفسور یوگندرا سینگ، رییس فرهنگستان علوم اجتماعی هند سخنرانی تحت عنوان «تقابل سنت و مدرنیسم با توجه به الگوی ایران و هند» ایراد کردند.

پروفسور یوگندرا سینگ علاوه بر انتشار چهار مقاله علمی در نشریه‌های بین‌المللی، کتاب‌هایی را نیز منتشر کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به تصویر انسان: ایدئولوژی و تئوری در جامعه‌شناسی هند، جنبه‌های اجتماعی انقلاب علمی و صنعتی، جامعه‌شناسی فرهنگ، سنت‌های عدم خشونت، طبقه‌بندی اجتماعی و تحولات اجتماعی و... اشاره نمود. وی در حال حاضر مشغول تهیه کتاب چهار جلدی در زمینه توسعه اجتماعی و تحول در جامعه هند می‌باشد.

آنچه در زیر از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد خلاصه مقاله پروفسور یوگندرا سینگ در سی و ششمین نشست از سلسله نشست‌های مذکور است.

در اینجا لازم است که از همکاران محترم در رازی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو برای ارسال این گزارش تشکر شود.



مفهوم سنت و مدرنیسم زمانی به معنای واقعی کلمه تعریف می‌شود که در قالب روند تاریخی هر جامعه‌ای نگریسته و ترجمه شود. تعریف اروپایی از مدرنیسم، از مفاهیمی نظیر بازسازی ملی، توسعه اقتصادی و فرهنگی و تجارب خاص اروپا آغاز و رواج یافته است که این تعریف ناقص و مجموعه جامعه جهانی با فرهنگ‌های متفاوت را در بر نمی‌گیرد. مدرنیسم و واژه‌های مترادف آن در دهه ۱۹۵۰ در غرب رواج یافته و وارد دایره الفاظ علوم اجتماعی شده‌اند.

در هند الگوی (Modernization) یا (Modernism) متفاوت است. مدرنیسم در هند، در رویارویی با تمدن غرب آغاز شده و فرهنگ مرکب هند از راه‌های مختلف در برابر مدرنیسم از خود واکنش نشان داده است.

از آنجا که جریان‌های فرهنگ حاکم بر هند، با اصول «سلسله مراتب»، «کمال و قداست»، «پیوستگی» و «تفوق» مشخص می‌گردند، مقابله با آفات مدرنیسم در هند می‌بایست از طریق ایجاد ارتباط با مفاهیمی بین فرد و گروه، عقلانیت و فوق عقلانیت، گروه و جامعه، صورت پذیرد.

یکی از طرح‌های مدرنیسم در هند این بود که ساختار خانواده‌های گسترده باید از بین برود و به جای آن خانواده هسته‌ای شکل بگیرد. این فرمول مورد پذیرش قرار نگرفت، چرا که تجربه نشان می‌داد که اروپا هنگام صنعتی شدن و حتی قبل از آن دارای خانواده هسته‌ای بوده است. در هند نیز، خانواده گسترده، تاکنون کمک زیادی به شکل‌گیری روند مدرنیسم کرده است. بنابراین، کسانی که معتقد بودند برای

نوگرایی، هر آنچه که در غرب اتفاق افتاده باید اینجا هم پیاده شود، مردود شناخته شد. همچنین باید گفت نیروهای سنتی در هند، مشاغل و دستگاه‌های مدرنیسم را رهبری و مدیریت کرده و امروزه نخبگان، مستخدمین دولت و نیروهای اجرایی، از میان همین عناصر سنتی به پا خاسته‌اند.

قانون اساسی هند نیز طوری تنظیم شده است تا ضمن توان مواجه فرهنگی و ساختاری با نیروهای تجدیدگرا، همزمان دو عنصر پذیرش و عدم پذیرش در روند تجدید خواهی را در خود داشته باشد.

اما این سؤال که اختلاف بین سنت و مدرنیسم چگونه حل خواهد شد، هنوز بی‌پاسخ مانده است. اینکه چگونه ارزش‌های سنتی نظیر خانواده، نظام ایمان مذهبی و همسایگی و غیره با شرایط جدید و مدرنی که پیش آمده باید پیوند بخورد، مشخص نیست. جامعه اروپا در مقابل این پلاتکلیفی واکنشی نشان داده و نهضت‌های اجتماعی و فکری نظیر «پست مدرنیسم» و شکل جدید تفکر آنارشیستی، به منصفه ظهور رسیده‌اند.

بنابراین، تجربیات حاصله از توسعه غرب که باعث نابودی محیط زیست، روابط انسانی و ارزشی و شرافت زندگی انسانی شده، همراه با بالا رفتن آمار جرم و جنایت که امروزه در اروپا شایع است، باعث شد تا کشورهای در حال توسعه بخصوص هند، به دنبال روش خاص خود جهت نوگرایی و مدرنیسم بوده، و به این نتیجه رسیده‌اند که نوگرایی نمی‌تواند تقلیدی و استقراضی باشد.

مدل و یا روش جدید مدرنیسم در این کشورها، آن چنان که در هند اجرا می‌شود

یک «کثرت در عین وحدت» است. یعنی از جانبی، تعدد مذهب و فرهنگ و روش زندگی، و از جانب دیگر آزادی فرد برای پیروی از این روش‌های خاص، وجود دارد که همزمان باعث رونق دستگاه نوگرایی و پیشرفت نهادهای اقتصادی - تکنولوژیکی جامعه می‌گردد.

این چهارچوبی است که هند از آن پیروی می‌کند، چهارچوبی که از همان ابتدای تجدید خواهی با مقابله با الگوهای مدرنیسم غربی شکل گرفت. متفکرانی نظیر «رامون روسی» و «آربیندو» و رهبرانی چون گاندی و نهرو و دیگران آن را بکار گرفته و فلسفه منفعت‌پرستی غرب را با تکیه‌ای آگاهانه به فرهنگ و دانتا، بودیسم و صوفی‌گری اسلامی طرد کردند.

